



میثم روایی دیلمی
به زخمِ پوست

از خود، و دیگران، می‌پرسند: «به‌راستی در زیرِ پوستِ جامعه چه می‌گذرد؟»

در پوست

چیست

زیر

به زیرِ پوستم وقتی
فریادِ عقربی از وقت می‌چکد
و وقتِ غاشیه،

تبعید ام

به زخمِ پوست می‌کند؟

و پوست

– در وهمِ خود: «جامع» –
تا زیرِ خویش را
آیا

در خویش می‌بیند

فریادِ وقت

آخر می‌شود.

سکوتِ مار

معنایِ جمع را

در یکه می‌بلعد

و پوست،

این «فراق»،

از وحشتی عجیب

خود وحشتی عجیب می‌شود.